

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سایت گزارشگران
۲۹ اکتوبر ۲۰۱۷

مصاحبه های گزارشگران در باره تحولات سیاسی در کشور عراق و اقلیم کردستان مصاحبه با نسرين ابراهيمی



واقعیت اینست که از پیش از برگزاری رفراندوم سازماندهی همکاریها و زد و بندها و توافقات بین رژیمهای جمهوری اسلامی، عراق و ترکیه صورت گرفته بود. تهدیدها به بستن مرزها، محاصره اقتصادی، بستن فرودگاه سلیمانیه و اربیل، مانورهای نظامی مشترک و... نشان از از یک صف بندی ارتجاعی برای پیشگیری از تشکیل دولت مستقل کردستان می داد هر چند که دور از انتظار هم نبود ولی سوال اینست که همه پرسى را از زاویه چه نیرو، قشر و یا طبقه ای بنگریم. از زاویه حاکمان اقلیم خود مختار کردستان، و بارزانی، هدف سرپوش نهادن بر فساد مالی، عدم تأمین حقوق کارمندان، کارت فشار و امتیاز گیری، و ادامه حاکمیت خود است، مخالفت بخشی از اتحادیه میهنی با همه پرسى نیز از زاویه منافع فرقه ئی خود بود.

گزارشگران: اقلیم کردستان چندی پیش در یک همه پرسى با اکثریت قاطع به استقلال آن رأی داد. برخی اصولاً برگزاری آن و احیاناً دستیابی کردهای عراق به استقلال را حق مسلم آنان و مطابق با اصل حق تعیین سرنوشت برای خلقها دانستند و برخی نیز ضمن تأیید این حق به طور کلی اما برگزاری این رفراندوم را در شرایط بحرانی کنونی به لحاظ زمانی و مکانی در این منطقه مضر دانستند. شما آن را چگونه ارزیابی کردید؟

نسرين ابراهيمی: من به حق تعیین سرنوشت لنینی معتقد هستم. لنین در مقاله حق تعیین سرنوشت می گوید " این حق در برنامه مارکسیستها از نقطه نظر تاریخی و اقتصادی نمی تواند معنای دیگری به جز حق تعیین سرنوشت سیاسی،

استقلال دولتی و تشکیل دولت ملی داشته باشد...." اگر بخواهیم به مفهوم حق ملل در تعیین سرنوشت خویش پی ببریم و در عین حال خود را با تعریف های قضائی سرگرم نکنیم و تعریفهای مجرد وضع ننمائیم بلکه شرایط تاریخی و اقتصادی جنبشهای ملی را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم آنوقت به این نتیجه می رسیم که منظور از حق ملل در تعیین سرنوشت خویش یعنی حق آنها در جدا شدن از مجموعه ملتهای غیر خودی و تشکیل دولت ملی مستقل "

روشن است که سیاست کمونیستی مخالف هر گونه امتیاز ویژه و حق انحصاری برای هر گروه، دسته، نژاد و غیره است. حق تعیین سرنوشت هر ملت دقیقاً بر اساس حق برابر میان ملیت ها تعریف می شود. منطقاً این برابری در همه جنبه های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی خود را نشان می دهد. یکی از راه ها و وسایلی که ملت تحت ستم در تعیین سرنوشت خود علیه این نابرابری به آن متوسل می شود در عرصه سیاسی استقلال و تشکیل دولت ملی است. در رابطه با مردم کردستان عراق واقعیت اینست که سابقه تاریخی طولانی از مبارزه علیه رژیمهای حاکم که با خشونت و وحشیگری بی سابقه ای آنها را سرکوب کرده اند، وجود داشته است.

همانطور که می دانید بر اساس توافق سایکس پیکو در سال ۱۹۱۶ جغرافیای تازه ای به وجود آمد. و سرزمین کردستان را به چهار بخش تقسیم کردند در حالی که تفاوت ماهوی میان ملتهای جدید عراق، کویت، سوریه، اردن و.. وجود نداشت. معیار ایجاد کشورهای جدید و مرزهای خط کشی شده بازتابی از منافع استعماری امپریالیستها بود. در همین رابطه یکنفر از شاهزاده های سعودی را به عنوان پادشاه عراق برگماردند.

اما در رابطه با عنصر زمان و مکان برگزاری فراندیم که شما اشاره کردید شاید بهترین زمان همان اوایل ایجاد حکومت خود مختار کردستان و یا پس از همه پرسی غیر رسمی سال ۲۰۰۵ بود که می خواستند تمایل مردم کردستان عراق را بدانند که رأی اکثریت قاطع به استقلال بود. به هر حال از یکسو با توجه به شرایط کردستان عراق، وضعیت احزاب، سازمانها و درجه رشد مبارزه طبقاتی و نیز مسلط بودن دو حزب اتحادیه میهنی و دمکرات و از سوی دیگر با توجه به هراس دولتهای سرکوبگر جمهوری اسلامی، ترکیه، سوریه که خود در سرکوب و به خاک و خون کشیدن جنبشهای آزادیخواهانه مردم کردستان و سایر اقلیت های تحت ستم یدی طولانی دارند و جدا شدن هر بخش از کردستان را به عنوان زنگ خطری تلقی می کنند، هر گونه استقلال طلبی در هر زمانی با مخالفت شدید و دخالتهای آشکار و پنهان این دولتها روبه رو خواهد شد. من فکر می کنم با توجه به شور و شوق و استقبال مردم در کردستان عراق برای ابراز نظر خود، اوضاع از کنترل بارزانی هم خارج شده بود و عقب نشینی تیر خلاصی به شقیقه بارزانی بود چرا که در فرصتهای دیگری هم هر دو حزب اصلی این خواست را وجه المصلحه روابط و منافع حزبی خود با دولتهای جمهوری اسلامی، ترکیه و عراق قرار داده بودند. دلیل اصلی به تعویق انداختن فراندیم همین بود که اتحادیه میهنی زیر نفوذ جمهوری اسلامی و حزب دمکرات زیر نفوذ ترکیه و به علاوه هر دو حزب سیاستهای خود را در چهارچوب سیاستهای امریکا قرار داده بودند.

گزارشگران: در برابر این پروژه (همه پرسی) صفتبندی های سیاسی جدیدتری در منطقه شکل گرفت. مثلث عراق، جمهوری اسلامی و ترکیه اردوخوانی برای پیشگیری از تشکیل دولت مستقل کردستان صف کشیدند و تهدیدهایی از سوی آنان انجام گرفت و محدودیت هائی در این ارتباط برای کردها ایجاد شد. برخی می گویند فلسفه این همه پرسی نه دستیابی به استقلال که گرفتن امتیازات بیشتر از دولت مرکزی عراق بوده است. شما چگونه می بینید؟

نسرین ابراهیمی: واقعیت اینست که از پیش از برگزاری فراندیم سازماندهی همکاریها و زد و بندها و توافقات بین رژیمهای جمهوری اسلامی، عراق و ترکیه صورت گرفته بود. تهدیدها به بستن مرزها، محاصره اقتصادی، بستن

فرودگاه سلیمانیه و اربیل ، مانورهای نظامی مشترک و ... نشان از یک صف بندی ارتجاعی برای پیشگیری از تشکیل دولت مستقل کردستان می داد هر چند که دور از انتظار هم نبود ولی سوال اینست که همه پرسى را از زاویه چه نیرو، قشر و یا طبقه ای بنگریم. از زاویه حاکمان اقلیم خود مختار کردستان و بارزانی، هدف سرپوش نهادن بر فساد مالی، عدم تأمین حقوق کارمندان ، کارت فشار و امتیاز گیری و ادامه حاکمیت خود است ، مخالفت بخشی از اتحادیه میهنی با همه پرسى نیز از زاویه منافع فرقه ئی خود بود. به علاوه مخالفت تعدادی از احزاب کردستان عراق نه با همه پرسى بلکه زمان برگزاری آن بود.

اما اگر از زاویه مردم کردستان عراق به مسأله بنگریم از دیدگاه کارگران زحمتکش کردستان ، استقلال به عنوان راه حل ستم ملی و مسأله ملی موضوعیت و محبوبیت دارد. تاریخ کشتارها، خانه خرابیها ، آواره گیها، انفال ، بمباران کیمیائی و... چنان ترس ، نگرانی و نا امنی عمیقی در مردم به وجود آورده است که خواهان جدا شدن از عراق و تشکیل دولت مستقل هستند.

البته این مسأله را هم در نظر بگیریم همه اینها در شرایطی است که مردم چندان دلخوشی از این احزاب ندارند و ناراضی هستند. تظاهراتی چند سال پیش کارکنان بخش آموزش و پرورش ، بهداشت ، کارکنان دولتی برای خواستهای رفاهی، پرداخت نشدن حقوقها و دستمزدها در شهرهای مختلف کردستان نمایانگر ناراضی مردم از فساد و وضعیت نابسامان اقتصادی و سیاسی موجود بود . فقط در سال ۲۰۱۵ حدود صد و هشتاد نهاد و فعال مدنی در شهر سلیمانیه در جلسه ای بیانیه شش ماده ای داده و خواستهای خود را مطرح کردند و یا در تظاهرات مردم قلعه دزه دفتر حزب دمکرات رابه آتش کشیدند. به هر حال منظورم اینست که مردم این احزاب را می شناسند و با آگاهی با دادن رأی به استقلال، نظر خود را اعلام کردند. واقعیت اینست که با استقلال توهمات و تعصبات ملی کنار زده می شود و شرایط مساعدی برای پیشرفت مبارزه طبقاتی به وجود می آید.

گزارشگران: شهر نفتخیز کرکوک از نقاط بسیار مهمی بود که توسط نیروی پیشمرگه ها آزاد و قسماً کنترل می شد. با پیشروی نظامی ارتش عراق و نیروهای شبه نظامی شیعه این شهر بدون مقاومت از سوی کردها واگذار شد. پیشمرگه های کرد دستور عقب نشینی از مواضع خود گرفتند. برخی آن را خیانت رهبری دانستند و رهبری هم این اقدام را نه عقب نشینی بلکه جابه جایی و برای پیشگیری از کشتار کردها اعلام کرد. ارزیابی شما چیست؟

نسرین ابراهیمی: آنچه مسلم است از پیشمرگان خواستند که شهر را ترک کنند. اخبار تلویزیون کردستان ۲۴ نشان می داد که مردم از عدم مقاومت پیشمرگان ناخشنود بودند و به خیابانها ریختند، تعدادی از پیشمرگان با مردم و نیروهای حزب کارگران کردستان خط دفاعی ایجاد کرده و به مقاومت پرداختند.

گزارشات رسانه ها و اخبار همگی از زد و بندها، دور زدن مردم ، تصمیم گیری پشت سر توده ها توسط هر دو حزب خبر می دهد. تهاجم نیروهای مرکزی عراق همراه با حشدالشعبی با سازماندهی قاسم سلیمانی و سپاه قدس و نیروهای ویژه پولیس به استان کرکوک نمی توانست بدون چراغ سبز امریکا ، و بدون همدستی و همکاری اتحادیه میهنی و نیز آگاهی حزب دمکرات عراق صورت گرفته باشد، هر چند خبرها حاکی از معامله جداگانه جناحی از اتحادیه میهنی با جمهوری اسلامی نیز می باشد. هر دو حزب از ورق استقلال و فراندن برای تصفیه حسابهای حزبی و سهم خواهی استفاده کردند و یک دیگر را متهم می کنند. مثلا سرهنگ عثمان وهاب از فرماندهان لشکر ۴ جبهه جنوب غربی کرکوک وابسته به اتحادیه میهنی در سایت خبری پ ک ک می گوید که " ما درلشکر چهار جنگیدیم و ۱۰۵ تن از پیشمرگ های ما به شهادت رسیدند، ۲۰۰ زخمی و ۴۵ نفر هم به اسارت نیروهای عراقی در آمدند. فرماندهی لشکر ۵

بر عهده کمال کرکوک (وابسته به حزب دمکرات) بود آنها حتی یک گلوله هم شلیک نکردند و مواضع خود را برای نیروهای عراقی ترک کردند. "

گزارشگران: نیروهای ارتش عراق و حشدالشعبی بدون مقاومت وارد کرکوک شده اند و پرچم کردهای عراق را به زیر کشیده اند و پرچم خود را بالا برده اند. با توجه به ترکیب قومی موجود در این شهر آیا به نظر شما کرکوک آستان بحران و درگیری های جدید خواهد بود.

نسرین ابراهیمی: با توجه به ترکیب متنوع جمعیتی کرکوک ، وجود منابع عظیم نفتی ، دخالتها و رقابتهای دولتهای ارتجاعی ایران و ترکیه در منطقه وضعیت بسیار ملتهب و خطرناک است از آنجائی که معاملات در پشت پرده و بر فراز سر مردم و پیشمرگان صورت گرفت مردم شهر غافلگیر شدند. پس از حمله دولت مرکزی عراق و حشدالشعبی به کرکوک حدود صد هزار نفر از مردم کرکوک و به خصوص طوزخرماتو از ترس نیروهای حشد الشعبی شهر را ترک کرده و آواره و جابه جا شدند. گزارشهایی حاکی از این بود که جبهه ترکمنهای عراقی که با حمایت میت ترکیه به وجود آمده (درقتل عام شنگال در سال ۲۰۰۷ نیز دست داشته است) پس از حمله ارتش عراق و حشدالشعبی به کرکوک در تیراندازی به پیشمرگان و شهروندان کرد، آتش زدن ساختمان اتحادیه میهنی و کشتن پیشمرگان، آتش زدن دفتر جنبش جامعه آزاد کردستان در طوزخرماتو ، داکوک و کرکوک نقش داشته اند.

گزارشگران: گفته می شود که جمهوری اسلامی با نمایندگی قاسم سلیمانی و همراهی خانواده جلال طالبانی نیز در این واقعه دخیل بوده اند. جریان چه بوده است؟

نسرین ابراهیمی: بدون شک معاملاتی با جمهوری اسلامی صورت گرفته است. رسانه هائی همچون ایندپندنت، رویترز، المنیتور و گاردین هر کدام گوشه هائی از این معاملات و زد و بند ها را گزارش کرده اند. رویترز از دیدار یکی از رهبران اتحادیه میهنی با قاسم سلیمانی یکروز پیش از دستور العبادی در پیشروی نیروهایش به سوی کرکوک خبر می دهد به گفته رویترز در این دیدار قاسم سلیمانی می گوید که عبادی تمامی قدرتهای منطقه و غرب را در پشت خود دارد و هیچ مانعی در پیش روی او وجود ندارد اگر می خواهید می توانید به کوه بروید.

گاردین به طور مفصل تری از مذاکرات و معاملات پشت پرده خبر می دهد. گاردین از ملاقات بین سران حزب دمکرات به رهبری مسعود بارزانی و پسرش مسرور و یکی دیگر از مقامات حزب دمکرات با سران اتحادیه میهنی به رهبری هیرو ابراهیم احمد بیوه طالبانی همراه با پسرش بافل و تسار لاهور در شهر دوکان خبر می دهد. در این جلسه بافل طالبانی از جلسه خود با عبادی صحبت می کند و این که از آنها خواسته شده که به نیروهای ضد تروریسم دولت مرکزی اجازه ورود به کرکوک و به دست گرفتن کنترل برخی از قسمتها توسط گارد ریاست جمهوری را بدهند، یکی از مقامات حزب دمکرات از بافل سؤال می کند که آیا اتحادیه میهنی موافقت کرده است و بافل جواب می دهد که نه فقط صحبت شده، این مقام حزب دمکرات می گوید که بافل دروغ گفته و یک خیانت تاریخی صورت گرفته است. به هر حال اینروزها هر کدام از سران این احزاب دیگری را به خیانت و یا عدم مقاومت در برابر نیروهای دولت مرکزی متهم می کند. چیزی که مسلم است اینست که هر دو حزب در به وجود آمدن وضعیت نابسامان و آشفته موجود مقصر هستند و هیچ کدام مقاومتی جدی نکردند.

گزارشگران: نقش و جایگاه کشورهایمانند امریکا و اسرائیل و عربستان در این تحولات چگونه است؟

نسرین ابراهیمی: سیستمی که پس از اشغال عراق و توسط امپریالیسم امریکا در این کشور به وجود آمد به اسم دمکراسی توافقی بین گروه های قومی، زبانی، مذهبی، بشدت زمینه را برای به وجود آمدن دولت مرکزی فرقه نی مذهبی شیعی، در گریه های قومی مذهبی و ظهور داعش و سایر دسته جات سنی و شیعی داعشی آماده کرد بدین ترتیب می بینیم که شیرازه جامعه عراق از هم گسیخته است و نشانه ای از حقوق مدنی شهروندان به چشم نمی خورد.

تحولات اخیر در کردستان عراق و حمله نیروهای عراقی و حشدالشعبی به کرکوک و مناطق مورد منازعه بین اقلیم کردستان و دولت عراق با چراغ سبز امریکا صورت گرفت. به نظر می رسد که منافع دولت امریکا در شرایط فعلی برقرار کردن تعادلی در رابطه اش میان دولت مرکزی عراق و احزاب حاکم کردستان است تا جایی که آنها را کاملاً در دامان جمهوری اسلامی نیندازد، هشدار و تهدید به دولت عراق برای خارج کردن حشدالشعبی از کرکوک در این راستا است. به علاوه شکست سیاسی امریکا در خاورمیانه برای حفظ هژمونی خود و منجلابی که در افغانستان، سوریه، لیبیا به وجود آورده است، سبب شده که به اصطلاح دست به عصا راه برود. برای دولت امریکا منافع و روابطش با ترکیه، عراق و حفظ تمامیت ارضی عراق مهمتر از حکومت اقلیم می باشد.

حزب دمکرات کردستان عراق از دیرباز با امریکا و اسرائیل رابطه داشته است، می دانیم که اسرائیل تنها کشوری است که از استقلال کردستان دفاع کرده است، پشتیبانی اسرائیل از استقلال کردستان که حق طلبی مردم فلسطین را با گلوله جواب می دهد در واقع برای تضعیف ایران و عراق در منطقه است.

عربستان پدر خوانده تمامی بنیادگرایان تروریست اسلامی در تقابل با رقیب شیعی خود ایران بین بارزانی و دولت عراق مانور می دهد از یکسو با حکومت اقلیم کردستان روابط خوبی دارد و از سوی دیگر خواهان تجزیه دولتی عربی نیست.

گزارشگران: آنچه مسلم است این وضعیت جدید پس از همه پرسی کمک زیادی به حل بحران منطقه نمی کند و در این میان دولت اسلامی داعش می تواند از فضای ایجاد شده به بازسازی خود بپردازد. چشم انداز را چگونه می بینید؟ آیا ظرفیت ها و پارامترهای موجود احتمال سرانجامی بدون آغاز جنگ و کشتاری دیگر از طریق مذاکره را می دهد؟

نسرین ابراهیمی: به نظر می رسد که این رویدادها بخشی از پروژه آماده سازی برای دوره پس از داعش باشد. با حذف داعش به عنوان قدرتی دولتی، معادلات، توافقات و حتی می توان گفت بلوک بندیهای منطقه نی ممکن است که تغییر کند و مانند دوره مقابله با داعش نخواهد بود. برخی ها برگزاری رفراندوم را دلیل حمله دولت مرکزی عراق برای بازپس گیری کرکوک و مناطق مورد منازعه تلقی می کنند ولی واقعیت این است که رفراندوم کاتالیزوری شد که این حمله زودتر صورت بگیرد. توافقات فدرالی دولت مرکزی عراق با حکومت خود مختار کردستان طبعاً پس از شکست داعش تغییر می کرد، دولت مرکزی عراق حاضر نبود که کرکوک و مناطق مورد مناقشه را رها کند و از سوی دیگر دخالتها و نگرانیهای دولتهای جمهوری اسلامی، ترکیه (البته دولت اسد هم بعداً به میدان خواهد آمد) که هر کدام کردهای ساکن خود را به شدت و با خشونت بیسابقه ای سرکوب می کنند در باز تعریف مناسبات سیاسی موجود در عراق مؤثر است. در رابطه با پارامتر جنگ و کشتار و خشونت که شما اشاره کردید، درگیریها تا کنون به جنگی گسترده و تمام عیار و تلفات بسیار انسانی روبرو نشده است و آواره ها در حال بازگشت به منازلشان هستند که این باعث خشنودی است. ظاهراً سیاست امریکا و دولتهای غربی دامن زدن به جنگ داخلی تمام عیار دیگری در عراق نیست.

گزارشگران: چنانچه نکته یا پیامی دارید لطفاً مطرح کنید

نسرین ابراهیمی: مردم کردستان عراق به طور مسالمت آمیز در رفتارند شرکت کردند و حدود ۹۳ در صد رأی به استقلال دادند، این خواست دیرینه مردم کردستان عراق است که برای آن سالها جنگیده اند باید به این رأی و نظر مردم احترام گذاشت و آن را به رسمیت شناخت. زد و بندهای احزاب حاکم در کردستان عراق با دولتهای منطقه، امریکا، اسرائیل و یا امپریالیستها کمترین تأثیری در حقانیت این رأی ندارد.

اما وقت آن است که مردم کردستان عراق برای هر گونه تغییری در زندگی خود، برای استقلال، آزادی، عدالت از این احزاب در مقیاس وسیع فاصله گرفته، به سازماندهی تشکلهای، ارگانها و نهادهای مستقل خود بپردازند و جنبشی مردمی و شکل گرفته از پائین علیه ارتجاع اسلامی، علیه جنگ و اشغال، دخالتهای دولتهای منطقه و امپریالیستها و برای صلح، آزادی و برابری به وجود آورند.

گزارشگران: با تشکر از شما نسرین گرامی

۲۷.۱۰.۲۰۱۷